

سد محکم شورا در برابر حاتم بخشی میلیاردی «نجفی» شهر دار تهران



چهاردهمین جلسه ی شورا (مورخه ۲۵ مهر ماه) را در نتیجه ی عملکرد برخی اعضای شورا (اسامی آنها در بخش پایانی یادداشت آمده است) می توانی تری و موثرترین جلسه را ابتدای دوره پنجم تاکنون نامید.

الفرد کردن (تصویب نکردن) لایحه مجوز تسطیب و چگونگی اخذ مطالعات شهرداری و پیشنهاد تخفیف ۳۵ درصدی برای کسانی که اقدام به تثبیت ملک خود (تبدیل ملک با کاربری «مسکونی» به «داری» یا «تجاری» برخلاف ضوابط طرح تفصیلی و شهرسازی و ایجاد ارزش افزوده بسیار بالاتر برای ملک.

فرض کنید که فردی در محدوده «میرداماد» ملک خود را به کاربری «تجاری» تثبیت کرده است. اگر عوارض هر متر تثبیت تجاری ۴ میلیون باشد، معادل ۴۱۱ میلیون (یک میلیون چهارصد هزار) تومان آن بخشیده می شود.

حال اگر میزان مترهای این سری املاک را در این عدد ضرب کنید به یک عدد میلیاردی خواهید رسید. یا مثلاً قیمت عوارض اداری در منطقه ۳ شهرداری متری حدود ۲ میلیون تومان است (تبدیل مسکونی به اداری و تثبیت آن) که ۲۵ درصد آن معادل ۵۰۰ هزار تومان می شود. اکنون به این مدل پرداخت ها ۲۳ درصد تخفیف داده می شود.

در یک محاسبه سرانگشتی با تبدیل ۲۳ درصد به ۲۵ درصد میزان ارقام تخفیفی به میلیاردها تومان می رسد. حال، این بذل و بخشش هدفمند را با املاک نجومی مقایسه کنید.

ب- در مساله «املاک نجومی» میلیاردها تومان از منابع و امکانات شهر به یکسری افراد مشخص (یعنی یک لیست خاص از افراد) اختصاص یافت.

اما در صورت تصویب این لایحه در شورا، به میزان بیشتر و بالاتری منابع و امکانات شهر به جیب یکسری افراد و لایه های اجتماعی پول دار که در نتیجه غلبه حاکمیت سوداگری در بخش مسکن بخش عمده ی مقدرات اقتصادی شهر تهران در دست آنان می باشد، می رفت و کمترین بهره مندی از این منابع و تخفیف ها را لایه های متوسط و ضعیف شهر تهران می بردند.

از طرف دیگر، تصویب این لایحه در تعارض با آنچه «شهرداری بخش نامه های ضد فساد» تبلیغ می کند، می باشد. با وجود آنکه این بخش از دستور جلسه ۷۰ دقیقه از زمان شورا را گرفت، اما خوشبختانه شورا جلوی یک خسارت بزرگ به شهر تهران را گرفت.

ب- تذکره اقبالان «حق شناس»، «خلیص آبادی»، «سالاری» و «نظری» در اعتراض به دیوار کشی شورای مجلس اسلامی در میدان بهارستان و تذکره «ژاد بهرام» در خصوص «مناسبت سازی پیاده روها و جلوگیری از حرکت موتورسیکلت ها در پیاده رو» را باید تذکره ای کتبی و موثر ارزیابی نمود. (۱۵ دقیقه از جلسه)

ج- عملکرد شورا را در بخش کلی (یعنی کلیت شورا) و فردی (هر عضو شورا) می توان مورد نقد و نظر قرار داد. نتیجه ی نهایی هر لایحه و طرح در شورا (رای آوردن یا نیاوردن) شاخص فعالیت در مورد عملکرد کلیت شورا است. باید در کنار عملکرد کلی شورا، کارنامه و عملکرد هر عضو نیز مورد توجه رسانه ها و دیده بان های شهری قرار گیرد.

تصمیم جدید شورا در «اعلان رسمی اسامی موافقین و مخالفین طرح ها و لوایح در زمان رای گیری» یک قدم موثر در افزایش شفافیت شورا و یک ابزار مناسب برای افکار عمومی جهت رصد عملکرد فردی هر عضو می باشد. به عنوان مثال در جلسه امروز

در و زمان رای گیری برای لایحه مهم تخفیف ۳۵ درصدی (بند الف یادداشت حاضر) برخی اعضا نقیض «خوب و مفید» بازی کردند. (سالاری، خلیص آبادی، میرو لوسی، اعطاء، آروسی، فراهایی، علیخانی، میلانی، حق شناس و نظری)

از این به بعد، در هر یادداشت اعضایی که نقش «مفید و خوب» برای شهر و مردم دارند، معرفی خواهیم کرد.

در این جلسه طرح دو فوریتی با ۱۸ امضا در خصوص «الزام شهرداری به ارائه برنامه عملیاتی برای ایمن سازی ساختمان های بلند مرتبه در شهر تهران» مطرح و تصویب شد.

گرچه این مساله یک ضرورت جدی در شهر تهران می باشد، اما در خصوص نتایج این طرح چشم انداز روشنی وجود ندارد.



منطقه ۱۹ شهر تهران که از محلات جنوبی پایتخت و محروم است، همچنان با پیگیری برای رفع و رجوع مشکلات نفس می کشد... هفته نامه «پدیده شهر» که با هدف و خط مشی پوشش مشکلات متعدد این دست از مناطق و انعکاس صدای مردم محلات محروم، منتشر شده و بارها در مورد این مناطق کم بر خوردار، اطلاع رسانی کرده است؛ اینبار نیز پرورنده ی مشکلات منطقه ۱۹ را برای مسئولان شهری و اعضای شورای شهر تهران باز کرده تا تکرار نکند. تکرار آنچه را که توسط مسئولان فراموش شده و یا پشت گوش انداخته شده است... برای بررسی دقیق تر به سراغ «موسی سهرابی» از قدیمی نشین های یکی از محلات منطقه ۱۹ که دبیر دبیران منطقه نیز هستند، رفتیم و گپ و گفتی هر چند کوتاه پیرامون بحران های منطقه داشتیم که محورهای آن در پی می آید:

۱- صحبت از مشکلات این منطقه گرچه کار ساده ای نیست، اما اعضای شورایی آنقدر گله و شکایت از مردم نجیب این محله شنیده اند که اگر هر روز در مورد مشکلاتشان حرف شده و آنها را شمارش کنیم، باز هم کم است؛ به همین خاطر اعضای شورای ایاری تنها افراد سنگ صوری و مطعی هستند که مردم محلات نیز بابت خیر آنها آشنا بوده و آگاه هستند که این اعضا که از دل مردم برخاسته اند، هیچ گونه چشمداشت یا توقعی نداشته و تنها برای رضای خدا مشکلات را انعکاس داده و مسئولان را با خبر می سازند... هر چند که گاهی همین اعضا از انعکاس و نامه نگاری خسته شده و ناامید می شوند اما همچنان در راستای وظایف وفادار مانده اند. محلات منطقه ۱۹ از جمله مناطق جنوبی تهران هستند که مشکلات عمده ای دارند و در عین حال مردم ساکن در این منطقه به قدری صبور هستند که حتی از طرح مشکلات خود هم دوری می کنند. مردم منطقه یک بیمارستان ندارند. اصلاً بیمارستانی وجود ندارد... کمبودهای دیگر را شاید بتوان چشم پوشی کرد اما نبود بیمارستان معضل بزرگی است که به توجه مسئولان وزارت بهداشت و درمان نیازمند است.

۲- وجود یک فضای خالی و وایس ۱۸۰ هکتاری در یکی از محلات منطقه (شهیید کاظمی) از دیگر معضلات چندین ساله است که هنوز تغییر تکلیف نشده است؛ این زمین طبق مصوبه سال ۹۰ شورای شهر تهران، قرار بود که به پارک ملی ایرانین و با اینر آن کوچک تبدیل شود که متأسفانه در مسیر احداث، با مشکلاتی روبرو و ریشده و ایجاد ۳-۴ درصد از فضای سبز در حاشیه اتوبان «آزادگان» و «شقایق» یکی از دره های مرطوب به ایجاد این پارک بزرگ بود. در این نقطه که زمین های بایر و خاکی رها شده اند، با ورزش کوچترین نسیم، گرد و غبار زیادی را بسا خود حمل می کنند که نگرانی ای روزهای مردم این محله است. سرد شدن هوا و ورزش باد یا طوفان، مشکلاتشان آغاز و تشدید شود. در کنار آلودگی های زیست محیطی، این زمین رها شده و ویران محل تجمع رازل اوآش و متعاندان زیادی شده که به دلیل بسته بودن فضا، نیروی انظمای هم امکان گشت زنی در محدوده را نداشته و به محیطی امن برای رخ دادن آسیب های اجتماعی شده است... این موضوع مشکل ساز بوده و اهالی را نگران کرده است. تعیین تکلیف این زمین بعد از گذشت ۶ سال، از زمان تصویب، یکی از اصلی ترین اقداماتی است که امیدواریم مسئولان با نگاه باز و ویژه به آن نگاه کنند.

۳- خیابان «خلازیر» محدوده خرید و فروش ضایعات، که در راستای زمین نامبرده قرار گرفته است نیز یکی از معضلات بلا تکلیف و مهم است... جذا از ظاهر نامناسب محله و با وجود فعالیت این مشاغل در دل محله، سر و صدای فراوان و سرسام آور، اخیراً آتش سوزی های رخ داده در این محدوده نیز به مشکلات اضافه کرده است. حوالی غروب صاحبان مغازه ها اقدام به ذوب و سوزاندن ضایعات می کنند تا آبرای فروش آماده کنند که با اینکار هوای کل منطقه را آلوده می کنند... این مشکل در گذشته و حدود ۳ سال قبل در خیابان «احمد اباد» وجود داشت که با پیگیری های صورت گرفته توسط شوراییاران و مردم، به صورت حداقلی بر طرف شده است اما مشکل خالزیر بسیار ریشه ای و پیچیده شده و صاحبان مغازه ها به هیچ صراطی مستقیم نیستند که مردم منطقه حق حیات و هوای پاک دارند. گرچه مناطق جنوبی از جمله منطقه ۱۹ با هوای آلوده دست و پنجه نرم می کنند و فعالیت اینچنینی این مشاغل مشکلات را چندین برابر کرده است که اگر جلوی فعالیت آنها گرفته نشده و ادامه دار باشد، مشکلات امروز فرامغلقه ای خواهد شد. شوراییاران بارها این مشکلات را به صورت مکتوب به اعضای شورای شهر اعلام کرده اند اما متأسفانه گویا این مشکل مهم از نگاه این اعضا چندان مهم تلقی نشده

چوب جنوب تهران

خدمت رسانی به مردم بیبانه نمی خواهد

است! آنها مشکلاتی که با جان و سلامتی مردم ارتباط دارد. در حالیکه طبق قانون و آنچه که توسط ادار و ساماندهی صنایع و مشاغل تهران تعریف شده است، مشاغل صنعتی و لایند باید از دل شهر و محدوده سکونت مردم خارج و به بیرون از شهر منتقل شوند. همانطور که تجربه خروج بسیاری از مشاغل مزاحم از تهران وجود داشته و تجربه موفق نیز بوده است؛ منتظر هستیم و همچنان پیگیری خواهیم کرد تا این محدوده از محل سکونت مردم خارج شود. گرچه از سوی مالکان و شاعلان این محدوده که از این مغازه ها درآمد و سود دارند، خارج شدن از شهر با مقاومت هایی روبه ر بوده است اما اصلاً منطقی نیست که منافع مالی این عده از شاعلان بر زندگی و سلامت کل اهالی منطقه اثر گذار باشد.

۴- نصب بل مکانیزه در چندین نقطه از تهران جزء ضروری ترین درخواست های شهروندان است تا کار رفت و آمد سالمندان ساده تر شود... چرا که منطقه از نبود بسیاری از امکانات دچار مشکل شده و تردد آمد مردم محلات به مناطق دیگر اجتناب ناپذیر است. نبود بل عابر مکانیزه باعث شده که افراد سالمند از بل های فعلی استفاده نکرده و هر بار به دلیل تردد شان از عرض خیابان، حوادث زیادی را شاهد بوده ایم که جان شهروندان از این منظر در خطر است. به عنوان مثال احداث یک بل عابر مکانیزه در ایستگاه آزادگان خط ۳ متروی تهران که روزانه هزاران نفر از آن استفاده می کنند بسیار ضروری است. موضوع بعدی به بخشی از اتوبان «گندگوبان» اختصاص دارد که بخشی از منطقه ۱۹ را درگیر کرده است... اشرف بخشی از این بافت مسکونی ضرورت احداث دیوارهای صوتی در این محدوده را بیشتر می کند چرا که مردم ساکن در محدوده این بخش از اتوبان از تردد سنگین و شبانه روزی خود رو ها و مشکلات سروصدای فراوان و بی وقفه شکایت دارند. این اقدام از درخواست های مردمی است که در این بافت مسکونی ضرورت احداث دیوارهای جدی بدون نتیجه مانده است. تاریخ بودن بوستان های محدود در سطح منطقه ۱۹ باعث شده که به جای تردد شهروندان، معناتان و کارتن خواب های زیادی در این بوستان تجمع کرده حتی شب را به صبح می رسانند. معضل خاموش بودن بوستان ها معضلات دیگری را در پی دارد و مردم از همین بوستان های محدود نیز فراری داده است. در کنار رسیدگی به مشکلات مربوط به نگه داری و امنیت بوستان ها، لازم است نسبت به ساماندهی کارتن خواب ها در منطقه اقدام اساسی شود. متأسفانه شرایط محله به گونه ای است که افرادی از خانمان و معنات زیادی دارد...

۵- روی هم رفته منطقه ۱۹ شهر تهران دروازه ورودی پایتخت است و به رسیدگی بیشتری نیاز دارد که رسیدگی بدون تعریف بودجه و اعتبارات امکان پذیر نبوده و تنها روی پردازی و برنامه ریزی بدون پشتوانه است. محلات منطقه ۱۹ قبل از هر چیز به اعتبار و بودجه نیاز دارند تا با تریق آن فکری به حال مشکلات شوند... از اعضای شورای شهر نخواستیم که ابتدا به ساکن بودجه بدهند؛ اعضای جدید شورای شهر تهران از منطقه و مشکلات متعدد آن به صورت میدانی بازدید کنند تا از نزدیک با مسایل آشنا شوند، گرچه در گذشته نیز بازدید های شده و نتیجه ای حاصل نشده است اما همچنان از حضور اعضای شورای شهر در تک تک محلات منطقه استقبال می کنیم. اشرف به مسایل خیلی با بررسی دقیق میدانی امکان پذیر است و هر چه قدر نمایندگان مردم در شوراییاری در مورد معضلات موجود نامه نگاری کنند، بدون بررسی میدانی، بی فایده و بدون نتیجه است. توجه به در آمد مناطق جنوب تهران در تعیین اعتبارات و بودجه، حل مسایل و دفعه های مردم را با تاخیر چندین ساله روبه رو می کند. ما منتظر حضور موثر اعضای شورایی شهر و به خصوص شهردار تهران هستیم. ضمن آنکه اعضای شورایی در سالهای قبل طبق سیاست های شوراییاری طرح مشکلات ساکنان، در صحن علی شورا و حتی جلسات متعدد حاضر می شدند و فرصتی برای بیان کاستی ها داشتند که امیدوار هستیم این موضوع و روال مفید، به دلیل تراکم کاری اعضای شورای شهر کم رنگ نشده و ادامه دار باشد. احداث سراهای محله گرچه اقدامی موثر بوده اما ادامه دار بودن و کیفی کار کردن این سراهادر محلات مستلزم در نظر گرفتن بودجه مستقل برای آن است تا کالاس های فوق بر نامه و مقیدی برای بانوان، کودکان، جوانان و سالمندان بزرگوار بوده این سراها متأسفانه با کمبود بودجه روبه رو هستند و در آمد آنچنانی ندارند تا هزینه های جانبی را تأمین کنند به همین دلیل با خط عدم استقبال مردم از کالاس ها و مجموعه فعالیت های این سراها در مناطقی از تهران به ویژه جنوب پایتخت روبه رو هستیم.



محله در بن بست!

«فخر الدین محمد رضایی» عضو شورایی محله «نعمت آباد» با اشاره به مشکلات چندین و چند ساله و پیچیده خیابان «طالقانی» می گوید: «از سال ۵۷ که در این محله ساکن هستم، همچنان اعلام می شود که محله عقب نشینی دارد و از ادامه دار بودن این طرح اطلاع رسانی می کنند، اما به بهانه اینکه این طرح تعریض، از جمله تدابیر طرح تفصیلی بوده و هنوز به صورت کامل عملیاتی نشده است، از اتمام کار شانه خالی می کنند، اگر این طرح عملیاتی نبوده و ضمانت هستند، اتوبوس و مهمتر از آن ماشین آتش نشانی امکان ورود به محله را از طریق امکانات زیادی به خاطر تعریض نشدن و عدم تعیین تکلیف این خیابان بلا تکلیف مانده است؛ در واقع محله ما در بن بست واقع شده است به این جهت که از شمال می آیم می گویند خیابان طالقانی ۲۰ متر است، ولی ورودی آن ۸ متری است و ۱۲ متری است، در انتها پاز به ۲۰ متری می رسیم. یعنی خیابان یکدستی که در یک راستا قرار گرفته باشد، نداریم و همچنان منتظر هستیم تا بنیم بررسی و باز دیده های میدانی از محله کی جواب می دهد».

«عبدالله پرتلو» جانشین شورایی محله که انتقادات زیادی از مشکلات بی سرو سامان محله دارد به خبرنگار ما می گوید: «سال گذشته نیز از نشریه «پدیده شهر» برای گرفتن گزارش از معضلات آمدند و به دنبال انعکاس گزارشات، تعدادی از اعضای شورای شهر سابق از محله بازدید و مسایل را از نزدیک ملاحظه کردند، اما به امروز که صحن شورای شهر تهران پذیرای اعضا و رویکرد های جدید بوده اما هنوز هیچ یک از اعضا و نمایندگان مردم از این محلات بازدید نداشتند و البته ما قائل به بازدید های بدون نتیجه نیستیم، بازدید فرارون صورت می گیرد، اما به مرحله اجرا و عمل به قول و قرار ها که می رسد، انجام نمانده و خروجی صفر می شود؛ با اینحال از اعضای شورای شهر می خواهیم تا محله را به صورت حضوری و میدانی بررسی و بازبینی کنند و گزارشات مکتوب بازدید های گذشته را هم مرور کنند تا بیشتر از شرایط فعلی ساکنان مطلع شوند؛ با پشت میز نشستن هیچ کدام از مشکلات حل نخواهد شد».

مشکلات مربوط به ترافیک و دسترسی های محلی از جمله مشکلات است تک اهالی به آن اشاره دارند و اعلام می کنند که چرا شهرداری و یا راهور برای حل مشکلات دسترسی مردم کار کار ششایی و نیاز سنجی نمی کنند... ابتدای ورودی محله «نعمت آباد» از بزرگراه «ایگان» انقدر ترافیک است که تصور می کنی یک حادثه و تصادف شدید باعث ایجاد این ترافیک شده است، اما بعد از آنکه نزدیک شهرک «نعمت آباد» می شوی و مشاهده می کنی که میل های چیده شده کنار خیابان که یاد در حال پارک می هستند و یاد در حال تخلیه از وانت بارها هستند، اصلی ترین عامل ایجاد ترافیک شده اند، اگر تصور می کنی که با وارد شدن به محله از ترافیک و راه پندان خلاص شده ای، سخت در اشتباه هستی... به همان اندازه ترافیک در ورودی محله، خیابان اصلی «نعمت آباد» مثل «سپیل»، «طالقانی» و... را قفل کرده است... این ها تنها محله های مشکلات شمال محله نیست... بل شکوفه که بل را تا قطعی ناحیه ۲ به ۳ است با گذشت حدود ۱۳ سال هنوز به صورت کامل بهره برداری نشده و رمپ شمال شرقی و شمال غربی آن همچنان بلا تکلیف رها شده است، مردم باید در روزهای شلوغ و پر رفت و آمد از طریق محله «عبدل آباد» وارد «نعمت آباد» شوند و ترافیک زیادی را به جان بخورند...



با آنکه «نعمت آباد» می نویسیم، اما به مراتب می توان محله «نعمت آباد» را مملای بدون سامان و نظم، نامگذاری کرد که با وجود داشتن جمعیتی در فور توجه، امکاناتی برای ساکنانش ندارد... این عبارت، توضیح دقیق و بدون تعارف از محله های است که از مشکلات محله به سگوه آمده اند... مشکلات آنقدر ملوی و پشم و فامش هستند که می توان با یک بالا و پایین کردن در ممل، مشکلات را ایست و از ذهن گذارد و نام برد... مشکلاتی که ملکیت از مدیریت نامناسب مسئولان شهری در دوره های مختلف و عدم رسیدگی به آنها را دارد... متن آن بخش از مشکلاتی که اهالی بدون داشتن آگاهی و یا آگاهی کامل ایجاد کرده اند، آنقدر برای شهرداری بوده که گویا مدیریت مداخل یک کلبه فراره داریم که مال فودمان است، چهار دیواری، اقتیاری فودمان است... اما اگر اینها را بفره شویم یا است که در این محدوده مانگزار شویم، به این علت است که پول کافی برای اماره فانه در مناطق بهتر را نداریم، اینها مداخل یک کلبه فراره داریم که مال فودمان است، چهار دیواری، اقتیاری فودمان است... اما اگر اینها را بفره شویم یا کرایه میهم کما فانه دست و پا کنیم؟ باز مداخل سقفی بلا سامان هست... آنها که اماره نشین هستند وضعیشتان بسجید تراست... بابت فانه ای کرایه می دهند که یا فرسوده است یا مملای فونب ندارد؛ آنها که متن قدرت اماره نشینی در هیچ کدام از مملات خوبی تهران را هم ندارند... تمام املاک های مملات جنوب تهران را با هم مسجوم پرس و مو کردیم و از قیمت هایی که املاک ها می دهند سرمان سوت کشیده است... میبوریم تا شرایط زندگی در این محله را به امید اینکه روزی صدایمان به جای برسد مشکل مل شود... تممل کنیم و دم نزنیم... اما دیگر عمر ما که فقا همدا داد... الان ۳۸ سال پیشتر است که منتظر تعریض و ساماندهی تنها خیابان اصلی محله به نام «طالقانی» هستیم که مشکلات زیادی را ایجاد کرده و هیچ کس هم پاسفکو نیست... مردم هاج و واج مانده اند که چرا این طرح انجام نمی شود... البته امیدواریم که مداخل فرزندان ما و جوانان فری از این خیابان طلسم شده ببینند، سهم ما که فقط ترافیک و فاک، بافت فرسوده و معضل بود... این خیابان باید مثل ابتدای آن یکدست و ۳۰ متری شود... اما سالها سال است که کاملاً رها شده و در مان فابودی است».

«نعمت آباد» حبس شده در ترافیک و بلا تکلیفی!

نیود پار کینگ طبقاتی مناسب از دیگر معضلاتی است محله را مانند محلات دیگر منطبقه ۹ خجالت زده کرده است... «نعمت آباد» به دلیل ساختار تجاری و داشتن مغازه های متعدد، اهالی تمام محلات تهران را به خود جذب کرده است... «از تهران تمام وارد محله ما می شوند که خرید کنند، شنب های جمعه و روزهای عید و تعطیل رسمی، محله متعلق به افراد غیر ساکن و غیر بومی می شود که برای خرید آمده اند... مسافتان مغازه احداث شده است و جمعیت زیادی را شاسفل کرده، اما امکانات مورد نیاز و کافی ندارند... نبود پار کینگ مناسب و طبقاتی باعث شده تا در دره های آن جدا از افراد محل، افراد دیگر را هم درگیر کند... سرعت از خودروهای مستثنی های که از راه دور برای خرید آمده اند، بزرگترین مشکل شده است که هر روز با آن به اشکال مختلف روبه رو هستیم... دعوا بر سر جای پارک به تنهایی یک آشوب به وجود می آورد هر روز شاهد دعوا هستیم... فحش و فحش کاری سر نیز زمین خدا... کتک و کتک کاری که با پا در میانی مردم حل و فصل می شود... وقتی جای پارک پارک نباشد همه می خواهند به سرعت جایی برای پارک پیدا کنند به همین دلیل بدون رعایت اصول ایمنی و اولیه ماشین خود را پارک و رها می کنند».

بارها ماشین مردم در این محدوده پنجور شده و اهالی بازار و بازاری برای تنبیه دیگران چرخ های ماشین متخلفات را بچری می کنند... دوبله سوبله پارک کردن هم که اولین اقدام افراد غیر بومی محل است... ماه آنها حق می دهیم... وقتی جای پارک نباشد مجبور هستند که تا سه لایه خود رو پارک کنند... اما تمام اینها در در سر سده است... ترافیک و سرعت از ماشین های بسیار اتفاقی می افتد... جانشین شورایی محله نیز مشکلات ترافیکی را حائز اهمیت دانسته و می گوید: «دومین مشکل تبدیل شدن یک بخشی از محله به یک بافت یعنی تبدیل یافت مسکوینی به تجاری است... خیابان های شهید کاظمی، جانانپور و نورو پور را ولی، به بازار میل و لوازم خانگی و لوازم اداری تبدیل شده است این طرحی که به مرور زمان انجام شده است، در این سه محور و در این سه خیابان، بخش شرقی محله ما را دچار مشکلات فراوانی کرده است، از جمله نبود پار کینگ و به تبع بحث ترافیک شدید در این محله یکی از معضلات این بخش است، به صورتی که ماشین ها به صورت سه تایی در کنار هم یا حتی چهار تایی پارک می کنند و مشکل زیادی برای یکدیگر می گذارند... وجود واحداث پار کینگ که برای خیابان های نام برد که از تمام شهر و کشور برای خرید می آیند، واقعا ضروری است...»



بازسازی در صد ناچیزی از بافت فرسوده!

مردم بارها در خواست کتبی داده اند که حداقل یک کیوسک نیروی انتظامی در این خیابان بگذارند اما می گویند این محدوده به کلاتری نزدیک است... اگر کلاتری به این محدوده و محله بازار تسلط دارد، پس چرا این بخش شیب و روز نامن است؟ نموس مردم در آرمش نیستند، معادهای زیادی بیشتر از هر کس در این محدوده احساس آرمش دارند و هر کار دلنشان بخواهد انجام می دهند... وقتی در روز روشن از خودروی جمعیتی که هر روز برای خرید به محدوده ما می آیند سرتق می شود مردم احساس ناامنی دارند، پس نتوانسته یا نتوانسته اند که امنیت مسلم و مایل تیز مردم را تأمین کنند... در حالیکه وقتی محله تجاری است باید امنیت آن در وهله اول تأمین شود نه اینکه هر روز مغازه های جدیدی کار خود را شروع کنند... آنها بدون داشتن سر سوزنی امکانات!...»

ترافیکی و مسایل حاشیه ای آن اقدامی نبود، حداقل برای اطلاع رسانی و افزایش آگاهی مردم تلاش شود... شاید با افزایش سطح اطلاعات و آگاهی مردم، حداقل بداند که دوبله پارک کردن تخلف بوده و تجمعات زیادی برای سایر خودروهای در تردد و پارک شده دارد... اگر چه نبود مسئولان راهور در محله و عدم اعمال قانون در این زمینه به تنهایی باعث شده تا مردم با قوانین آشنا نباشند و تخلفات خود را از سر نداشتن آگاهی ادامه دهند... اهالی محل از اینکه «نعمت آباد» دیگر یک محله تجاری است، نه مسکوینی، ناراحت هستند... «خیابان ها اکثر مغازه شده اند، انبارهای ساخته شده بالای مغازه ها از لحاظ ایمنی یا خطراتی روبه رو هستند... شبها حتی مردم راه به تنهایی نمی توانند از این خیابان های تاریک عبور کنند و مراقب یا دست به عصا حرکت می کنند».

«عزت الله محمد علی» عضو شورایی محله «نعمت آباد» نیز به مشکلات فرهنگی پیچیده در این محله اشاره کرده و ضروت انجام فرهنگ سازی های متعدد در محله را مطرح می سازد... «محله چون در یک مساحت کم با جمعیت بسیار زیاد و فشرده قرار گرفته است، مشکلات هم پیچیده و فشرده تر است... قرار بود برای فشرده بودن بافت ترده منطقه، تعریض صورت گیرد که بافت های کوچک را تملک کنند... سالها در این ارتباط تلاش شد و تیمی به اینجا آمدند تا بافت فرسوده را نوسازی کنند که به جز در صد مسیاری اجیزی به نتیجه موثری نرسیدیم... نمی دانیم چرا برای محله ای با این وسعت از جمعیت فکر اساسی نمی شود، در دست ماندن ساخت پار کینگ طبقاتی که مدت ها در این زمینه تقاضایمان را کتبی یا شفاهی مطرح کردیم و هنوز اقدامی نشده است... از مسئولان می خواهیم اگر قرار نیست برای مشکلات

«پدیده شهری» بررسی می کند:

محروم از نعمت و امکانات! «نعمت آباد»

سورا



بی توجهی به مردمی که غم نان دارند!

آشنا نیستند و تقاضای کمک مالی از تمام مغازه ها، سرای محله و... دارند. تا به امروز حدود ۷۰۰ نفر ثبت نام شده اند که یا همسران بیمار، معناده و بیگار دارند و به نظر می رسد، کسانی که بدون سرپرست هستند، شرایط بهتری دارند که از این تعداد حدود ۲۵۰ نفر و بیشتر در حد و اندازه نان شب محتاج هستند و به کمک نیاز دارند. مطابق با اعلام مدارس و تعاملات با آنها اعلام شده است که درصدی از دانش آموزان (حدود ۱۰ درصد) با اعتیاد پدر خود روبه رو بوده و یا پدرانشان در زندان به سر می برند و سابقه دار هستند. پشتوانه اصلی کمک به این افراد شهرداری نبوده و از منابع دیگر، اقدام به جذب نیکوکار می شد تا کمکی مختصر به نیازمندان واقعی و آبرومند شود اما برای پیشگیری از آسیب های پیش رو در این زمینه، باید اقدام بهتری صورت گیرد...»

زیادی از مغازه ها به این افراد اعتمادی نداشته و اهمیتی به درخواست یا التماس های این قبیل نیازمندان نمی دهند. «پریسار هنما» مدیر سرای محله نعمت آباد نیز که ارتباط مستقیم و بیشتری با اهالی محل به خصوص بانوان دارد می گوید: «محله ما حدود ۸۰ هزار نفر جمعیت دارد که اکثر میانسالی هستند، روزانه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر مراجعه کننده به سرای محله داشته باشیم که متأسفانه این روزها از سرای محله مثل کمیته امداد یا بهزیستی توقعاتی دارند... با قاطعیت می توانیم بگوییم که از میان مردمی که روزانه از کلاس های سر استفاده کرده و به انجام رفت و آمد می کنند، حدود ۱۰۰ نفر نیازمند هستند و اعلام می کنند بدسرپرست و بی سرپرست هستند... بنده های خدا با وظایف مجموعه

مغازه دارهای محل هر روز در حال روبه رو شدن با افراد فقیر و نیازمندی هستند که با مراجعه به مغازه ها درخواست کمک مالی یا غذا دارند... زنی که خود را مادر سه بچه قد و نیم قد معرفی کرده و می گوید همسرش معتاد است... دستش را به نشانه نیاز و گدایی به سمت مغازه دارها دراز می کند... زن دیگری که بچه نوزادش را به دوش کشیده و ظرف اسپندنی در دست دارد با لهجه شهرستانی که البته اهالی می گویند که پاکستانی است، از مغازه دار ها صدقه می گیرد. مرد سیاه رویی وارد مغازه ای می شود و می گوید اجازه بدهید بشیبه مغازه را تمیز کنم و پول ناهارم را بدهید... مراجعه افراد نیازمند به مغازه ها کار هر روز شده است. مغازه دارهایی که اعتقاد دارند نیازمند را نباید از خودشان دور کنند، کمکی هر چند کوچک و مختصر می کنند و در صد

رشد قارچ گونه قهوه خانه

به جای فضای ورزشی

شوخی برادر نیست. این محدوده از تهران و حتی مناطق جنوبی تهران، متأسفانه محله بوده است؛ هر کوچه تقریباً قهوه خانه دارد... دیگر اینجا به یک مرکز تجاری شده است، بسیار پایین آمده است، مردها واقعا بعد از غروب و تاریک شدن هوانمی توانند از خیابان های که بر از مغازه و تعطیل بوده عبور و مرور کنند؛ مواد مخدر در محله مثل آب خوردن تهیه می شود. امنیت محله، بچه ها، نایمیس مردم و جان و مالشان در خطر است و در این مورد بارها تقاضاهایی داشته ایم و پیگیری های کرده ایم اما به بحران این محله از هر لحاظ توجه کافی نمی شود. همه نوع آدمی، شناسان، جیب و جمعیت شناوری روزانه به اینجا می آید و می رود، اینجا به امنیت نیاز دارد، اما با بهانه های واهی که اینجا به کلاتری نزدیک است، نیروی کافی وجود ندارد، اعتبار آن را نداریم و... مشکل تأمین امنیت را از سر باز می کنند. بالاخره تأمین امنیت بر عهده نیروی انتظامی است و در این زمینه وظایف بر عهده دارند، این محله هیچ تفاوتی با مردم بالا شهر نشین ندارد که آب توی دلشان کیم نیم خورد. مردم این محل شهید داده اند، زحمت کش هستند... بیشتر به آنها توجه کنیم!»

به ما و نیاز محله و مناطق جنوبی نمی کند، یعنی وجود قهوه خانه ها انگار واجب تر بوده است؛ هر کوچه تقریباً قهوه خانه دارد... تاجران هاروند سیگار و قلیان بکشند. امکانات ورزشی و فرهنگی دیگر برای رشد بچه ها وجود ندارد... دقیقاً بچه ها را به سمت کار خلاف و بی فایده هدایت می کنند... حالا هر چه قدر هم یک طرفه برای تربیتشان زحمت بکشیم، معلوم نیست که در این جامعه چه از آب در می آیند... بزرگ تر که می شوند، امکاناتی وجود ندارد که استعداد هایشان را شناسایی و پرورال دهند... اگر شهرداری فرهنگسرای احداث کند، حداقل مثل محلات در مناطق دیگر توانسته ایم کمی بچه هایمان را از کوچه خیابان بیرون آورده و هدایشان کنیم... نه فقط تفریح، همین که تعدادی کلاس آموزشی باشد، درس زندگی و مهمتر از همه مهارت نه گفتن را یاد بگیرند، می توانیم امیدوار باشیم که از بسیاری معضلات ایمن شده اند... ناسلامتی این بچه ها آینده سازان فردا هستند...!» دبیر شورایاری محله نیز که موضوع امنیت را بسیار مهم ارزیابی کرده و خلا آنرا در محله بررسی می کند ادامه می دهد: «نمود امنیت و مشکلات آن بسیار حائز اهمیت است و اصلا

نیود فضای ورزشی مناسب، زمین بازی و پارک محلی یکی از کاستی های دیگری است که محله نشینان این بخش از تهران با آن روبه رو هستند... محله گرچه تنها دو بوستان کوچک دارد اما جمعیت بالا است و کفاف جمعیت بالای محله را نمی دهد... خانم ها که به خاطر شلوغی همین بوستان ها نمی توانند با آنجا بیایند و هیچ سهمی از فضای سبز نبرده اند... جوانان و نوجوانان زمین بازی ندارند... اگر شناسن بیابوریم که دوستان خلف و مناسب داشته باشند، دائم با دوستان شان به محلات دیگری می روند... سعی کرده ایم که تا حد امکان به آنها آگاهی بدهیم که مراقب رفت و آمدشان با دوستان و افراد ناشناس باشند... اما همیشه که بچه ها جلوی چشم پدر ما روی نیستند مخصوصاً پسرها، کمی که بزرگتر می شوند سریع دوست و رفیق بازی می روند... نگران هستیم... اگر بچه ها زمین بازی و حداقل یک سالن ورزشی داشته باشند، نگرانی خانواده ها نیز کمتر می شد...» اینها صحبت های پدر یکی از نوجوانان محله است که نگرانی های دیگری از او ادامه می دهد: «محله ما حتی کتابخانه و فرهنگسرا هم ندارد... واقعا مشخص نیست که چرا شهرداری توجهی

پول بدهید، تخلف کنید!

این تخلفات به چشم اهالی می رود نه مدیریت شهری؛ ما در بحث بافت فرسوده با مشکلات مشابهی روبه رو هستیم، اگر اهالی محله به صورت قانونی بخواهند پروانه یا مجوز ساخت بگیرند، موفق نشده و باید از هفت خوان رسمت عبور کنند در حالی که با پرداخت پول و هزینت، روند کارشان سرعت می گیرد؛ چنانچه درصد زیادی از ساخت وسازها در این محله از غیر قانونی و بدون جواز صورت می گیرد؛ بافت فرسوده جدی ترین معضل بعدی منطقه است. بسترهای تصویبی اداره نوسازی راهگشا نبوده و مردم از آن استقبال نمی کنند؛ به طور حتم نحوه اطلاع رسانی در ارتباط با نوسازی نیز چندان خوب انجام نشده است؛ بافت هایی که در محله «نعمت آباد» و «شهید کاظمی» اکثراً به صورت غیر قانونی ساخته شده، هیچ در یافت کرده و بعد از آن سکوت می کردند در حالی که دود

مقیاس مشخصی دارد، از یک محدوده آغاز و به محدوده ای ختم می شود، کاربری مشخصی دارد اما متأسفانه در محله ما بازار و محدوده تجاری تعریف مشخصی نداشته و تنها با رویکرد درآمدزایی به آن پرداخته شده است؛ وقتی بازار در محدوده ای رشد کند که کاربری اش تجاری نیست، امکان در نظر گرفتن بسیاری از امکانات مثل پارکینگ، بانک و... نیز وجود ندارد... وی می افزاید: «متأسفانه شهرداری بسیار مقصر است و امیدواریم برخی از رویکردهای دوره قبیل، در این دوره ادامه دار نشود... شهرداری در مدیریت گذشته، بعد از بررسی و تثبیت تخلفات شهروندان، مقداری جریمه یا پول از متخلفان دریافت کرده و بعد از آن سکوت می کردند در حالی که دود

«آکار» دبیر شوراری محله نیز مشکلات «نعمت آباد» را از دوناچیه بررسی کرده و می گوید: یک دسته از مشکلات توسط مردم محلی ایجاد شده و تشدید شده است و بخش دیگری از مشکلات از سوی نهادها و ارگان های متعدد و عدم رسیدگی آنها ایجاد شده است؛ شناخت سرچشمه مشکلات می تواند بسیار راهگشا و موثر باشد تا بدین ریشه این همه نابسامانی و ناامنی از کجاست... بحث تنها محله ما و منطقه نیست. اگر مشکلات محلی حل نشود، در پای آن در سایر محلات و به تبع آن از سایر مناطق دیده خواهد شد پس بهتر است مسئولان به مشکلات نگاه فرامتنطقه ای و جدی تر داشته باشند تا بیش از این درگیر معضلات کلیدی و پیچیده نشویم. داشتن نگاه در آمدزایی از سوی مسئولان مدیریت شهری آفت بزرگی است... وقتی جلوی تخلفات خرد و کوچک گرفته نشود، تخلفات بیشتر و ریشه ای می شود... به عنوان نمونه باز تعریف و



توسعه درونی شهرها چرا و چگونه؟

توسعه پایدار زمانی اتفاق می افتد که به تمامی اجزا تشکیل دهنده شهر توجه شود و در توسعه درونی و در گسترش قلمر و فضای، شهرهای امروزی کمتر از نظام برنامه ریزی تبعیت شده، لذا برخی قابلیت‌ها از جمله زمین‌های قابل‌باز یافت شهری و خصوصاً زمین‌های خالی و بلااستفاده درون شهری به‌خوبی شناسایی نمی‌گردد که باعث شناسایی این زمین‌های درون محدوده شهر، ضمن جلوگیری از گسترش افقی و بی‌برنامه از مزایای توسعه درونی استفاده نمود.

رشد پراکنده شهر (توسعه بیرون):

گروهی در سده بیستم میلادی در کتاب آشپز پراکنده [در تعریف رشد پراکنده شهری می‌گوید: الگوی رشد شهرها و کلان‌شهرها که منکس کننده تراکم، وابستگی به اتومبیل و مسورت گرفتن توسعه‌های جدید شهر در حاشیه نواحی توسعه یافته شهر در مورد توسعه درونی چندین تعریف ارائه شده است از جمله این تعاریف:

● توسعه قطعه زمین‌های خالی و ساختمان‌های غیر قابل‌استفاده که غالباً در نواحی توسعه یافته قرار دارند.

توسعه درونی، استفاده اقتصادی از زمین‌های خالی درون نواحی توسعه یافته شهری است. جایی که خدمات و زیرساخت‌های همچون، آب، شبکه فاضلاب، جاده‌سازی، خدمات عمومی و یا تعدادی از این تسهیلات وجود دارد.

توسعه درونی، ساختن بناهای جدید بر روی زمین‌های خالی و یا قطعات استفاده نشده میان واحدهای همسایگی و همچنین نواحی تجاری است. این مکان‌ها معمولاً در مجاورت جایی که زندگی می‌کنیم قرار داشته و پیش از این، از خدمات زیرساختی مختلف مانند، جاده، آب، برق و ... برخوردارند.

با وجود توسعه درونی، می‌تواند باعث رشد شاخص‌های زندگی و بالا رفتن کیفیت زندگی در محله‌های یک شهر شد. جنبه‌های منفی زندگی در حومه‌ها، مانند ترافیک، رفت‌وآمدهای طولانی، اتلاف وقت انرژی، هزینه‌های اقتصادی و همچنین دروسون منازل و مکان‌های کار و تفریح از یکدیگر، این‌ها را نشان‌دهنده اتقوت کرده‌است.

استفاده بهینه از زمین‌های شهری و کاهش فشار وارده بر زمین‌های کشاورزی اطراف شهر و افزایش دسترسی مردم به شغل‌ها یا نیروی کار، کاهش زمان و هزینه‌های سفرهای درون شهری و کاهش مصرف انرژی و آلودگی هوا، نوسازی محله‌های قدیمی و بهبود منظر بصری شهرهای و نیز رشد هماهنگ کالبدشهر با زیربنای گسترده‌ی آنها، کسب درآمد برای دولت از طریق مالیات استانی ناشی از افزایش سطوح کاربری‌های شهری خصوصاً کاربری تجاری، سرمایه‌گذاری روی خدمات و زیرساخت‌های موجود و صرفه جویی در هزینه‌های ایجاد و توسعه زیرساخت‌های جدید، رونق اقتصادی محله‌های شهری را کاربری‌های مختلف، این‌ها بر روی عدم تعادل کاربری‌ها در نواحی مختلف شهر از جمله مزایای اساسی توسعه درونی است.

اصول برنامه مؤثر توسعه درونی

- ۱) شناسایی مکان‌هایی از شهر که انجام توسعه درونی در آن مطلوب است.
- ۲) تنظیم خطوط کلی راهنمای توسعه به منظور تعیین تراکم، اندازه‌ی قطعات زمین و زیرساخت‌ها، طراحی معماری در توسعه درونی جدید بر مبنای شهر
- ۳) ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران توسعه درونی
- ۴) بهبود بخشیدن به تسهیلات و خدمات عمومی
- ۵) ایجاد تغییراتی در قوانین محدود کننده موجود، برای حمایت از توسعه درونی
- استراتژی‌های توسعه درونی
- اقدامات تبلیغی و آموزشی و ارائه اطلاعات جامع از روند اجرای پروژه به توسعه‌دهندگان ساکنین محله‌ای که توسعه درونی در آنجا اجرا می‌شود.
- ۱) جلب مشارکت بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه درونی
- ۲) کاهش هزینه‌های توسعه، با انجام اقداماتی همچون: کاهش هزینه اول توسعه با انتشار اوراق مشارکت تضمین نمودن وام و تسریع در پرداختن آن‌ها، دادن تراکم شتویقی
- ۳) کاهش مخالفت‌های محله‌ای، با انجام اقداماتی همچون: طراحی پروژه‌های توسعه مطابق با استانداردهای شهرسازی و حذف قوانین نامناسب توسعه
- منطقه مورد توسعه
- ۴) کاهش تاخیرات اجرایی، با راهکاری: هماهنگی با رنگی روند اجرای توسعه و نیز حذف تاخیرات اجرای‌ها و جلاست ضروری
- ۵) بهبود تقویت تسهیلات عمومی
- ۶) بهبود بخشیدن به دسترسی‌ها، با اصلاح شبکه معابر منتهی به منطقه مورد توسعه
- ۷) اجرای برنامه‌های توسعه درون شهری، و غیره... می‌تواند راهکاری مناسب در مقابل توسعه بی‌برنامه و بی‌پایه باشد.



نگین بخارزانی

تنبیث فرهنگ در زمین انسان‌ها...

وقتی می‌گوییم فرهنگ شهر راجع به چه چیزی صحبت می‌کنیم؟



● وجود جامعه وسیعی که از این نشانه‌ها استفاده کنند

تمدنی که از تعداد زیادی نشانه تشکیل شده که به رسانه‌های مختلفی تعلق دارند و میتوان آن‌ها را به گروه‌های مختلف نشانه‌ها تقسیم کرد

فرز فکری که بر اساس این رمزگان‌ها نشانه‌ها تشکیل شده باشد و بتوان ویژگی‌های آن‌ها را به‌دال و مدلول تقسیم کرد.

بر اساس این ساختار بسیار متمایز، هر فرهنگی به هر میزان به این خصوصیه نزدیک تر باشد، از پایه و بنیان قوی‌تری برخوردار تر خواهد بود. الگوسازی ثانویه زندگی شهری اجتماعی نیازمند پدیده‌های فرهنگیست. پدیده‌هایی که از «زبان طبیعی فرهنگ‌گاش» وام گرفته شده است. کالبد شهری به طور مشخص آنچه «ساخته انسان»، «قرار دادی» (در تقابل با خودانگیزت) و یا نیازت تجربه انسانی است را درون خود به اسارت میکشد. فرهنگ همسان در تقابل با فرهنگ همسایه همیشگی و یادگاری‌ها را رقیبت می‌شود، درست این همان چیزی است که ما آن را «بویایی فرهنگی» مینامیم. در جوامعی که دارای فرهنگی اصل و هویت مدار هستند، آنچه که غربی با و آشناست در حال فرهنگ بستر جذب شده و با آن همسوز می‌گردد. هر فرهنگ می‌تواند نیز از این همان تازه‌وارده به عنوان عنصری برای رشد خویش استفاده میکند. در حالی که در جوامعی با اندیشه غیر اصیل و دور از سسه خصصه

به عقیده ابرت کوان، نظریه پرداز نامی شهری، فرم هر شهری را کالبد و فرم فضاهای مصنوع و مکانی آن شهر تشکیل میدهد. این نظریه تا بدینجا پیش میرود که بسیاری از شهرشناسان یادگارهای یادگاری، طراحی شهری را همان طراحی فرم شهر دانسته‌اند. البته این پنداره تا به حدی رمانتیک و اغراق‌شده نیز مینماید. حال اگر فرم شهری تا به این حد مهم و جهان شمول است، مقصود از آن چیست؟ به اعتبار تعریفی که لیبچ در اختیار ما قرار داده است فرم شهر عبارت است از «کلیه مظاهر کالبدی رویت پذیر». اما کدام جنبه از این مظاهر اهمیت دارد؟ آیا آنچه که جیمز مورس معتقد است رویت‌پذیر تاریخی بر ساسا متمبند است یا آنچه که جیمز مورس معتقد است «نامشود» آن، فرهنگ و اجتماع در این بازی نقش اصلی را ایفا میکنند؟ شاید نیز عملکرد و کالبد حرف اصلی را بزنند... بیگمان برای پاسخ به این پرسش‌ها در ابتدا باید در مفهوم چیستی فرم شهری کند کاوی چندنماییم.

به طور سنتی، آنچه که ما به عنوان مورفولوژی شهری میشناسیم، مطالعه سیستماتیک‌تری از فرم و شکل و طرح حوزه‌های شهری ارائه میدهد که در مراحل رشد خود باید به کاربرد پذیری استفاده بر پایه اصول و فرهنگ توجه کرد. از مهمترین مسائل در مورفولوژی شهری مساله کیفیت کاربری زمین است. اما این کیفیت یک خط ممتد و دست‌ور العمل ثابت را در هر جایی از جهان دنبال نکرده بلکه بسته به شرایط اقلیم، فرهنگ، اقتصاد، تکنولوژی و... وجوه مختلفی از خود را به نمایش میگذارد. در این مورد میتوان، باریس و اصفهان را مقایسه کرد که دو قطب مخالف یکدیگرند. دار بوش شایگان در این مورد اینگونه توضیح میدهد: «اگر باریس دست پرورده هوسمان در دوره امپراطوری دوم فرانسه، به گفته زیبای بودلر شهری پر جنب و جوش، شهری سرشار از روایست، اصفهان صورتی متالین معلق در فضای روایست...» به دیگر سخن، مورفولوژی شهر وابسته به متغیرهای بسیار است که این متغیرها هر یک به نحایی در شیوه آرایش فضای امکانی شهر موثرند. این متغیرها فقط مجموعه‌ای از سناستارهای فیزیکی را شامل نشده بلکه مجموعه‌ای از فرهنگ، اقتصاد، باورها، فعالیت‌های اجتماعی صورت گرفته و... را در کالبدی به نام شهر متجسم میسازند. در این معنا آنچه که ساختار شهری و هویت آن را شکل میدهد ریشه در عنصری متعالی به نام «فرنگ» دارد. و اما فرنگ... فرهنگ‌ها به طور کلی ساختاری بسیار پیچیده یا «یک‌پارچه» را دارا هستند. فرهنگ جهان بی‌امور را به گونه‌ای ساختند، سازمان میبخشد و پایتزیگوم فرنگ مولد ساختند. بنسبت به همین دلیل فضای پیرامون آدمی به وجود می‌آید. فضایی که آن را «سیرز سستی» مینامیم. به طور دقیق بپیدایی یک فرهنگ به عنوان یک نظام نشانه‌ای و یا سیاهر معنایی لازمه داشتن موارد زیر است:

هزینه میلیونی برای قانونگذاری‌های غیر حرفه‌ای

از درخواست رویایی از آقای شهردار تا تذکرات بی‌اثر!

شورا نباید در متن مصوبه برای خود این حق ویزه را قائل میشد، که با ارائه طرح میتواند برخی املاک و اراضی را به افراد و سازمانها واگذار کند. اگر واگذار بهای قبلی مسأله دار بوده است و اکنون نیز شورا بتواند با تصویب واگذار بهای ادامه دهد، تنها تفاوتی که رخ داده این است که قبلاً همکاران شهردار قبلی متعین این نوع واگذار بهای اساساً منفی نبود، این مدل از قانونگذاری بدون توجه به ظرفیتهای تکنیکی و اجرایی و... حدود ۵ تا ۷ ساعت از زمان شورا (بیش از یک جلسه) را به خود اختصاص داد (یعنی تصویب یک ماده واحد چند تبصره).

ب. تذکرات امروز اعضا (حدود ۲۰ دقیقه از وقت شورا را به خود اختصاص داد) به عنوان معیار دوره میزان کارآمدی شورا، چندان قابل توجه نبود. به عنوان مثال، تذکر یک عضو شورا، در حد یک شوخی با مژه کارایی داشت (ظاهراً ایشان به چند کارگر خدماتی جهت مصرف کمتر آب سر کشی پیاده روی پارک تذکر داده بود و موضوع را به دفتر شهردار تهران منتقل کرده و... و تشکر از مدیر دفتر شهردار تهران بابت پیگیری آن) یا تذکر عضو دیگر که بیشتر از زمینه سیاسی بود.

شاید بتوان تذکر فرانسوی در خصوص «معتدل ماندن مصوبات شورا برای مناسب سازی شهر برای معلولین و پلینیان» را قابل ارزیابی دانست. رجوع به یک نگاه منصفانه باید، روحیه دموکراتیک و باز زین شورا (هاشمی حسینی) را دران فرصت فضاهای گفتگوی انسانی در شورا را در مقام مقایسه با روش‌های رایج و قابل قبولی شورا مورد توجه مثبت قرار داد.

از مجموع استدلالهای طراحان طرح می‌توان فهمید که یکی از اهداف آنها شفاف سازی عملکرد گذشته در واگذاری این املاک است این هدف فی نفسه هدف قابل قبولی است و بر آن افرادی وارد نیست. (اگر نهایتاً لیست کامل این واگذاری‌ها در بیست سال اخیر به صورت شفاف در اختیار افکار عمومی قرار گیرد، دستاورد ارزشمند شورا پنجم میتواند محسوب شود). هدف بعدی طراحان می‌تواند این باشد که اختیارات داده شده به شهردار دوباره به شورا باز گردد. (بدون توجه به اینکه شورا توان و زمان بررسی آن را داشته باشد). حال باید بررسی کرد آنچه امروز در شورا مصوب شد چه مسأله‌ای از شهر تهران را حل و فصل کرد؟

۱- شورا در یک تبصره از این ماده واحد مصوب کرد که «کلیه واگذار بهای ۷۸ (دوره اول شورا) تا به امروز فهرست شود و معیار تهیه آن طی سه ماه به شورا ارائه شود.» این تبصیرات متنوع اعضاء و طرح این که کلیه واگذار بهای از اول انقلاب در مصوبه بیاید... بیشتر یک ژست می باشد و اثر عملی در وضعیت املاک شهر تهران ندارد. گرچه تهیه این فهرست بسیار طولانی در سه ماه عملاً امکانپذیر نیست.

۲- در خصوص اینکه از امروز به بعد این املاک به افراد و سازمانها واگذار نشود، باز یک طرف بدین معناست که شورا به شهردار کنونی اعتماد ندارد و نگران است که این نوع واگذار بهای ادامه یابد. بنابراین اگر شورا به دنبال اصلاح روند ساختار کنونی است و اقدام اول به جای این نوع قانونگذاری غیر حرفه‌ای باید اساسنامه سازمانهای مانند سازمان املاک را اصلاح کند، از طرفی

سیزدهمین جلسه ی شورای شهر تهران در نوع خود یک شاهکار محسوب می‌شود. بالاخره بعد از چندین هفته تلاش مجموعه مایکی از اعضاء شورا (آقای رسولی) در صحن شورا با پذیرفت و اعلام کرد: «شورا به نمایندگی از مردم در امر قانونگذاری و نظارت باید به مسأله اقتصاد سنجی جلاست توجه کند». همانطور که در یادداشت‌های قبلی استدلال کردم حداقل هزینه‌ای که شهر تهران برای هر جلسه سه ساعته شورای شهر تهران عملاً می‌پردازد، بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون (بر اساس ارقام سال ۹۵) ایندازی شورای چهارم، که این عدد برای شورای پنجم در نتیجه سه روز کردن آن بسیار بالاتر خواهد شد) حال بر اساس زاویه نگاه همین عضو محترم شورا، به آنچه در جلسه سیزدهم (۲ مهرماه ۹۶) اتفاق افتاد، می‌پردازم.

الف. ماده بررسی طرح الزام شهرداری تهران به ساماندهی واگذاری حق بهره برداری املاک و اراضی غیر منقول شهرداری به اشخاص حقیقی، حقوقی و... صورت مسأله عبار تست از اینکه در دوره شهردار سابق تهران بر اساس یک تقویض اختیار از طرف شورا به شهرداری در از ادامه تقویض این اختیار به سازمان املاک شهرداری، یکسری املاک و اراضی (بر اساس بند ۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری) به اشخاص، نهادها، سازمانها و... داده شده است. بر اساس گفته مکارم معاون اقتصادی شهردار تهران (نام وی نیز در موضوع املاک نجومی در رسانه‌ها مطرح شد) بالای ۹۵ درصد این واگذار بهای معیار با قانون است و تقریباً تمام واگذار بهای بر اساس این نامه سازمان املاک و حتی برخی با سلیقه شخصی واگذار شده است.»

محله ای بدون شناسنامه داروخانه و بیمارستان!



آب بهداشتی سالم نداریم!

دبیر شورایاری محله شهید کاظمی در ادامه تاکید می کند: «مشکلات دیگری از جمله ساخت و سازهای انجام شده در سال ۸۸ مشکلاتی را برای شهروندان ایجاد کرده که در واقع دود اقدامات بدون تدبیر، تنها به چشم مردم رفته است. نداشتن انشعابات برق و گاز از دیگر مشکلات این محله است. فرمانداری سالیها سال نامه داده است، که به هیچ عنوان کنتور گاز و برق به محله داده نشود. درخواست داریم این مشکل را انعکاس دهید تا مردم بعد از چندین سال، حداقل برای زمستان ها از این رنج و سختی خارج شوند! الان با ساخت و سازهای انجام شده و نیاز محله برق به طور کلی قاطع است. ۱۰ سیم کابل از یک بوق برق انداختند که خطر ناک هم هست. دو سه بار هم موجب شده است از اداره برق و فرماندار تقاضا داریم که ان شاء الله کمک کنند، کنتور برق بدهند. کنتور گاز هم تنها یک عدد، ۴ طبقه ساختند، یک کنتور گاز می دهند که آن هم جایگو نیست، ۳۰۰ هزار تومان بول گاز می آید، نمی توانستد بریزند، محله ضعیفی است! مشکل بعدی محله این هست که نیاز به تعاملی منطقی و مناسب بین شهرداری و اداره اوقاف وجود دارد چرا که مردم پایین، با داشتن درآمد پایین و دستمزدهای کم، توان گرفتن جواز ندارند.»

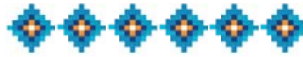
بیشتر اهالی که در مورد مشکلات صحبت می کنند، از لجه آنها مشخص است که آذری زبان هستند مردمی که از روی اجبار برای کسب و کار به تهران آمده و مهاجرت کرده اند در ماه چندین بار به شهر خودشان مسافرت می کنند و می گویند حداقل از فشار روحی روانی این محله از تهران برای مدت هر چند کوتاه خلاص می شوند. «تهران فقط محلات بالای شهر... پایین شهر هیچ امکاناتی ندارد. گاهی برای تفریح هم که شده مسرم ما را به مناطق بالای شهر می برد فقط در خیابان هایش با ماشین می چرخیم! واقعا همه چیز فری دارد، اصلا انگار نه انگار که مردم پایین شهر هم حق زندگی دارند. زباله را هم جمع نمی کنند یاد بروقت برای جمع آوری می آیند. نظافت محله من در حد صفر است و مردم خودشان به صورت خودجوش برای تمیزی جوی های آب خیابان و کوچه ها اقدام می کنند. حداقل در سال چندین بار به شهر و روستای خودمان می رویم تا کمی نفس بکشیم... مردهایمان که هر روز سال تهران هستند و بنده های خدا تا دیر وقت کار می کنند...»

پای درد دل «شهید کاظمی ها»

تهران فقط محله

«داود محمدی» دبیر شورایاری محله در این ارتباط به خبرنگار «پدیده شهر» می گوید: محله زمین های بایر سهم اهالی منطقه ما و به خصوص محله شهید کاظمی است. شاید بالغ بر ۴۰۰ هکتار زمین بلا تکلیف در محله وجود دارد. در حالی که طرح تفصیلی در مورد آنها تعیین تکلیف کرده و سرنه ها را مشخص ساخته است، اما متأسفانه مشخص نیست چرا به این طرح توجه نشده و به آن توجه نمی شود؛ محله «شهید کاظمی» از محله های قدیم تهران و بسیار مهاجر پذیر است؛ مردم و مهاجرانی که می آیند، سکونت کرده و پیشرفت می کنند، یا از این محله بالاتر می روند، یا اینجا کوچ می کنند، چرا که محله از لحاظ امکانات شهری زیر صفر است؛ متأسفانه اینجا بانک و خود ندارد. کاسب ها و اهالی محله مجبور هستند برای گرفتن و پرداخت پول به محله های دیگر بروند. با وجود اینکه برای رفتن به بهترین و محلات غرب و جنوب، ورود و خروج از محله شهید کاظمی صورت می گیرد اما متأسفانه هیچ امان یا شناسنامه ای برای محله وجود ندارد. از معضلات دیگر در محله ما نبود در مانگاه و بیمارستان است. منطقه ۱۹ اصلا بیمارستان ندارد، اکثر ساکنان از منطقه ۱۷ یا ۱۶ به نازی آباد یا منطقه ای می روند که از بیمارستان شهید فیاض بخش استفاده می کنند! نبود ایستگاه آتش نشانی در محله با وجود فعالیت جدی مراکز تجاری، از دیگر کمبودها است. با اینحال گرچه نیروهای آتش نشانی با وجود مشکلات ترافیکی، به موقع در زمان حادثه حاضر می شوند اما وجود آن در محله بسیار ضروری است؛ وجود زمین های بایر و بلا تکلیف، ضرورت در نظر گرفتن تمهیدات لازم برای رفع کاستی ها را بیشتر می کند.»

اینجا اهالی زیادی هستند که کنتور برق ندارند و صدایشان هم به جای نرسیده است. بگیری کردند... اعتراض کردند... نامه نگاری کردند اما هیچ کدام تا به جواب قانع کننده ختم نشده است. مشکل نداشتن آب شرب از مسایل دیگری است که بعضی اهالی به آن اشاره دارند. نه اینکه این معضل برای بعضی اهالی مهم نباشد، بلکه انقدر گرفتاری و گره کور دارند که شمارش تک تکشان دشوار شده است، نداشتن آب شرب بهداشتی یکی از همین معضلات است...



محله ای بدون بدون بانک، پارک و درمانگاه!

نداخته شده است... «به جرات می توانیم بگوییم که معاینه ها و افرادی خانمان از تمام مناطق و محلات تهران راهی این محله شده اند، چه جایی امن تر، بهتر و بی صاحبتر از زمین های رها شده در «شهید کاظمی»! اینجا باتوق شده است. روز و شب هم ندارد. زمستان هم که می شود دو سه روزی شهرداری آنها را جمع می کند و به چند روزی چهره محله عوض می شود و بعد خودشان هم که انگار در این زمین ها راحت تر هستند، دوباره بر می گردند... اتفاقی با چادر یا آنها که توان بیشتری دارند، با باغات در و پنجره، جایی دست و پایی می کنند و زندگی حقیرانه شان شروع می شود... زن و بچه مردم می ترسند از این محدوده و زمین های عریض کنند.

نبود پارک، فضای سبز و بیساز در محل تنها کاستی موجود نیست... محلی که کانون فعالیت کاسبان و مغازه داران است به یک بانک مجهز نیست... کاسبان در این ارتباط مشکلات زیادی دارند و مجبور هستند برای انتقال جوجه بانکی به محلات دیگر مراجعه کنند و داشتن پول نقد در آخر شب و حتی ساعات خلوت روز هم بسیار خطرناک بوده و در دسرهای خاصی خود را دارند... کاسبان زیادی از نبود بانک در محل به سختی افتاده و جانانشان نیز به خطر افتاده است... «تا دلان بخواهد خفت گیر و زور گیر از محله و محلات اطراف منتظر هستند و کمین کرده اند تا از کاسب ها دزدی کنند. یکبار



امنیت نیست؛ معتاد زیاد است

فعل شورای ایاری و دبیر محله ضمن اشاره به جمعیت بالای محله و تبعات آن برای محله و منطقه تصریح می کند: محله ما وسعت زیاد و جمعیت بالایی دارد و با این شرایط تنها یک کلانتری دارد؛ از طریق هفته نامه «پدیده شهر» از فرماندهی انتظامی تهران درخواست داریم تا توجه به آمار بالای زمین های بایر و خاکی در محله و خطرات مربوط به تجمع معتمدان در این زمین ها و نبود امنیت برای شهروندان، تعداد کیوسکهای کلانتری در محله را بیشتر کنند. در محله شهید کاظمی پارک و فضای سبزی وجود ندارد نبود دبستان، راهنمایی و دبیرستان دخترانه از دیگر مشکلات محله می باشد. متأسفانه فقط در محله العنبر یک مدرسه ابتدایی وجود دارد که آنهم در سال ۶۲ ساخته شده و فرسوده است؛ خطر زیادی متوجه دانش آموزان است و باید قبل از وقوع حادثه یا بحران اقدامی کرد. وی با اشاره به ضرورت توجه به بحث ترافیکی و مشکلات حمل و نقل مردم می افزاید: «نبود پایانه اتوبوسرانی از دیگر معضلات محله ماست، چرا که اتوبوس های نازی آباد، شهید کاظمی و انتهای شهید کاظمی در این محله قرار می گیرند و همسایه ها همه از این وضعیت شاکی هستند، که چرا اتوبوس جلوی در ما منزل ما توقف دارد؛ بحث دیگر نیاز به اتوبوسرانی توی محله است. متأسفانه شرکت اتوبوسرانی بعد از احداث ایستگاه مترو آزادگان، عبدل آباد و شرعیتی تهران، هنوز تعامل خاصی با محلات ندارد تا بتواند اتوبوس های بیشتری در اختیار مردم بگذارد. اقدام خوبی که کمتر از یک سال است به وقوع پیوسته، احداث میدان «باران» بوده که با اینکار بزرگراه آزادگان به جاده ساوه متصل و مشکل دسترسی کور و بسته شهروندان در این محدوده برطرف شد.»



«خلازیر» از ضایعات

نفس می کشد و نفس می گیرد

وقتی به محدوده بازار نزدیک می شویم به خوبی دستمان می آید که اینجا مزاجه های لوکس، پاساژهای تجاری و... خبری نیست داخل مغازه ها و حتی معابر محدوده بازار تا سقف از ضایعاتی که دهان کجی می کنند پر شده است... اما صاحبان این ضایعات، از آنها مثل کالاهای مهم و با ارزش مراقبت می کنند... کیلو، کیلوای این ضایعات برایشان ارزش و زحمت دارد... کسبه و ضایعات فروشان محدوده بازار «خلازیر» که حدود سه دهه است در این محدوده کار می کنند، نان حلال به خانه می برند، اعتراض دارند و از نداشتن امنیت شغلی در این سالها بی که با نگرانی گذشت، بسیار ناراحت هستند. مغازه های بی سرو سامان «خلازیر» تنها محل کار مردان نیست، مردوزن ندارد، همه کنار هم کار می کنند و عرق می ریزند؛ زنان سرپرست خانواری هم در این محدوده مشغول هستند و دوش به دوش مردان، نان حلال به خانه می برند. اما همه نگران هستند. وقتی مشغول تهیه گزارش و مصاحبه با فعالان این محدوده بودیم، با نگرانی به سوالات ما پاسخ می دادند؛ محافظه کارانه و سرسخت... حتی نگاه هایشان هم پر از نگرانی بود... «از طرف شهرداری آمده اند تا آمار مغازه هایمان را در آورید؟ ما که مغازه نداریم... اصلا مگر به این چهار چوب حلبی می شود مغازه گفت؟... اما وقتی خیالشان را از این جهت که مامور شهرداری نیستیم و قرار است در مورد مشکلات بنویسیم هم پوز خندی می زنند...» مگر از ۲۵ سال گذشته چه اتفاقی افتاده که حالا قرار است مشکلات ما را به گوش مسئولان برسانند؟ بارها حرف زدیم، اعتراض کردیم... اول و آخر هم می گویند که این خیابان کاربری تجاری ندارد و باید تخریب شده و جای آن پارک ساخته شود. این همه زمین رها شده و مخروبه در محله وجود دارد. چرا این خیابان... کل تهران محدوده ای به این بزرگی برای جمع آوری ضایعات ندارد کاش به جای نگرانی انداختن به جان مردم، برای مسامندگی این محدوده اقدامی شده و فعالیت ما را به رسمیت بشناسند... مشکلات اینجا زیاد است. مثلاً ترافیک در این محدوده که برای بار زدن یا خالی کردن بار و محموله ضایعات آهن و دیگر وسایل دست دوم و کهنه در محدوده توقف می شود، بسیار آزار دهنده و مشکل ساز است... حتی یک مامور راهنمایی و رانندگی هم وجود ندارد که ترافیک را کنترل و با متخلفان برخورد کند. همیشه اینجا با تصادف داریم، یا ترافیک های زنجیره ای و یا دعوا و کتک کاری... بارها اعتراض کردیم و گفتیم که با تصمیم فعلی شهرداری که قرار است خیابان «خلازیر» را از ضایعاتی جامع کند، نان هزاران خانواده بریده شده و به آمار بیکاری اضافه می شود... اکثر ضایعات ضایعات فروشها ضایعات مورد نیاز را از دوره گرد های تمام مناطق تهران می خریدند و بعد به کارخانه های ذوب آهن می فروشند؛ می بینید که یک زنجیره ای از افراد در این زمینه کار می کنند و مشغول هستند... تغییر کاربری این خیابان می تواند اقدام خوبی از سوی شهرداری باشد... حتی افراد تحصیل کرده ای هم هستند که به خاطر مشکل بیکاری در کار فروش ضایعات سهم دارند...

پارک نمی خواهیم؛ اشتغال مهم تر است

«داود محمدی»، دبیر شورای ایاری این محله با اشاره به مشکلات موجود در محدوده خلازیر به خبر نگار «پدیده شهر» یادآور می شود: «عده ای اعتقاد دارند که این محدوده مربوط به ضایعاتی ها باید جمع شود و عده ای نیز با این اقدام مخالف هستند. در حال حاضر چندین هزار نفر به صورت مستقیم و غیر مستقیم در این محدوده بدون داشتن امکاناتی مثل آب، برق و... فعالیت دارند؛ با اینحال همچنان این منطقه با تکلیف مانده و فعالان نمی دانند چه زمانی مشکلات آن برطرف می شود؛ از اعضای شورای شهر تهران می خواهیم که حداقل اسمال تکلیف اهالی را روشن کرده و اگر قرار است زمین ها تغییر کاربری دهند، کارشان زودتر انجام شود... اما توجه به معضل بیکاری در کل کشور و امکان بیکاری هزاران نفر، اعتقاد بر این است که خلازیر ساماندهی شده و در مورد نیاز منطقه بررسی دقیق تری صورت گیرد... اگر چه احداث پارک و فضای سبز بسیار برای محله ضروری است اما آنقدر که جوانان به کار نیاز دارند، به فضای سبز چند هزار هکتاری نیاز ندارند، آنهم فضای سبزی به این بزرگی در کنار جاده آزادگان که به مراقبت و نگاه داری ویژه بعد از احداث نیاز دارد که به سر نوشت پارکهای دیگر مثل مجمع معتمدان دچار نشود... تنها سرگرمی دختر بچه و پسر بچه هایی که تنها در خیابان و کوچه ها برای بازی می شوند، بازی با حلبی و پسماند های کثیف آهنی است که دیگر غیر قابل فروش شده و پول نیستند؛ با وجود آنکه محله از زمین خالی اشباع است، اما سرانه های فضای سبز، درمانگاه و... در این محله وجود ندارد و چشم حسرت شهروندان این محدوده به همین زمین های خالی است تا روزی بتوانند آن را آباد و قابل استفاده ببینند.»



وقتی وظایف پاسکاری می شود!

«علی نصیری» امام جماعت محله نیز با اشاره به ضرورت بهره برداری مثبت از زمین های بایر در محله به نفع شهروندان تاکید می کند: «شکر خدا محله زمین های بایر زیادی دارد که باید از آنها استفاده بهینه کرد تا مشکلی از معضلات مردم سبک و حل شود. تفکیک و خریداری این زمینها بسیار در اولویت است؛ جوانان به پارک و مردم محله به داروخانه ششپانه روزی و درمانگاه مجهز نیاز دارند. باید زمین ها از جانب شهرداری تعیین تکلیف و تملک شده و برای احداث بیمارستان که به فضای بیشتری نیاز است و ظرفیت آن در محله نیز موجود است، اقدام شود. محله ما داشتن زمین های بایر از ظرفیت بسیار خوبی برخوردار است؛ در عین حال محله ما نداشتن یک پارک امن و محله ای در تنگنا قرار دارد، مسالماندگی جایی برای پیاده روی و کمپ زدن با همسالان خود ندارند؛ زنان جایی برای ورزش ندارند و محله از کمبود سرانه های خدماتی شهروندان که حق مسلم شان است، محروم هستند. «سید مصطفی حسینی» عضو شورای ایاری محله نیز اشاره ای هر چند مختصر و مفید به کاستی های محله داشته و تاکید می کند: «عده ای از اهالی محل، کنتور برق ندارند، وقتی برای پیگیری موضوع به شهرداری مراجعه می کنیم، مشکل را مربوط به شهرداری می دانند و وقتی در این مورد با اداره برق مذاکره می کنیم، مشکل را به شهرداری ارجاع و پاس می دهند و با گذشت چندین سال از این معضل، هنوز نمی دانیم که حل مشکل به کدام از گان از تباطؤ دارد. برخی از اهالی کنتور آب ندارند. کیفیت آب آشامیدنی فعلی بسیار پایین است و طبعاً از مایش های صورت گرفته در گذشته، آب آشامیدنی و مصرفی مردم این منطقه بسیار سنگین و با سالم است؛ عده ای گاز ندارند و گاز مصرفی شان هنوز از کیسول ها تامین می شود... مشکلات زیاد است، اگر مسئولان می خواهند برای رضای خدا و خدمت به مردم کار کنند، چه فضایی نیازمند و صرفی تر از محلات جنوبی تهران که مردمان محرومی هستند... کار برای خدمت کردن زیاد است...»

کلیات بالای شهر نیست!





ممله «دولتخواه منوبی» که برابر اصل مابقی مملات دور و اطراف فود در منطقه مرموم ۱۹ تهران است که هیچ تفاوتی با سایر مملات ندارد. انگار همه چیز دست به دست هم داده است که تک مملات این منطقه از تهران شرایط مشابه داشته و هیچ یکی بر دیگری برتری نداشته باشد. کمترین که یکی از دیگری شرایط بدتر و طاقت فرسای آن را به دوش می کشند. مملات این منطقه یک به یک درگیر مشکلاتی هم شکل و هم زمان هستند که تداوم مورد نیاز برای آنها می تواند چنان مشابه باشد که شاید به کمی همت و توجه نیاز داشته باشند... «دولتخواه منوبی» هم از نبود امکانات بسیاری که حق اول و آخر شهروندان است فعالیت زده بوده و کاستی ها دست به دست شده اند؛ اهالی ممله امکانات را در شان زندگی شهرنشینی نمی دانند و اعتقاد دارند که روستا و شهر های فودشان از امکانات و مزایای بیشتری برای زندگی و رفاه برخوردار است... «همسرم سناهای در روستای از طرف از رومیه بیکار بود، زندگی سختی داشتیم، سه ماه بیکار بود. کار همسرم فعلی است و همیشه کار ندارد. گروه در تهران هم فرج ما بالا است اما مداخل در آمد همسرم به نسبت بالاتر رفته و از بیکاری در آمده است. دو سه شغل دارد و شکر خدا کن و بدش سالم است؛ اما نه فایده، به چه امید و فوشی در تهران هستیم؟ ممله و منطقه امکاناتی ندارد و شرایط زندگی در شهر فودمان را مت تر و بی دغدغه تر است. وقتی به هم شهر میامان می گوئیم که بانک نداریم، فضای سبز یا درمانگاه نداریم تصمصب می کنند که مگر می شود در تهران زندگی کرد و درمانگاه نداشت؟ گاهی متن به دوست و آشنا نمی گوئیم که در ممله ای از تهران زندگی می کنیم که امکانات ضروری اش در دم صفر است.»

امکانات زیر صفر است!

«موسی سهرابی» دبیر شورایی این محله نبود امکاناتی مثل بانک یا درمانگاه را رنگ بزرگی می داند و از این زاویه بسیار متأسف بوده و می افزاید: «لان وقتی وارد یک روستا می شوید، امکاناتی برای مواقع ضروری و بحرانی وجود دارد اما مردم این منطقه از تهران با وجود پرداخت عوارض و مالیات، از طبیعی ترین امکانات برخوردار نیستند و انصاف در مورد آنها رعایت نشده است... در این محله وضعیت کار و کاسبی چندان رونق دارد و ۹۰ درصد از اهالی از سایر روستا و شهرهای کشور برای کار به این محله مهاجرت کرده اند و از نظر اقتصادی در تنگنا قرار دارند؛ محله دولتخواه جنوبی بیشترین جمعیت را در سطح منطقه در خود جای داده است اما یک بانک برای انجام کارهای مالی وجود ندارد. تمام ساکنان هم خودروی شخصی ندارند که بتوانند کارهای روزانه را انجام دهند و مجبور هستند از تاکسی، مترو یا اتوبوسی استفاده کنند... حتی در شهرستان ها هم در هر محله حداقل دو شعبه بانک فعال است و مردم اینجا انگار در یک روستای دور افتاده زندگی می کنند!» اعضای شورایی این محله از تهران اعلام می کنند که محله به مانور تبلیغاتی تبدیل شده است. هر زمان دلشان خواهد از محله بازدید و تبلیغات خود را از میان انتخابات آغاز می کنند در حالی که مردم دیگر از بی توجهی، ظاهر سازی و قول قرار های بی پایه خسته شده اند. آنها می خواهند که از حداقل های یک محله و امکانات آن بهره مند باشند. در حالی که بانک، داروخانه، شبانه روزی، درمانگاه، نبود فضای سبز مناسب و امن و... برای بچه ها، زنان و خانواده ها از مهمترین کاستی ها است... «انصاف نیست که روزمان را شب و شبمان را بدون تفاوت سپری کنیم. مردم واقعا حق دارند که از محله مهاجرت می کنند. عده ای که توان مالی شان بهتر است نهایت تا یک سال دوام می آورند و وقتی با مشکلات محله آشنا شده و در آمدشان نیز بهتر است، می روند به محلاتی در مناطق بالاتر و پشت سرشان را هم نگاه نمی کنند. اما آنها که سال های سال است که در این محل زندگی می کنند و بچه هایشان بزرگ شده، عروس یا داماد شده اند، مجبور هستند و تنها اجبار است که ما را ماندگار کرده در غیر اینصورت هیچ علاقه یا کششی برای تحمل این محله ضعیف وجود ندارد.»

وصله ای ناجور در محلات پر جمعیت! کوره پز خانه ها

«پدیده شهر» گوشه ای از مشکلات محلات محروم پایتخت را روایت می کند:



کوره های آجر پزی صاحب ندارند؟!!

مشکلات محله و نبود سراسرانه های به حق و طبیعی در محله به کنار، معضل وجود کوره های آجر پزی که تعداد زیادی از آنها رها شده و متروک مانده نیز در دسر های خاص خودشان را دارند. گرد و خاک هایی که این محدوده منشر می شود اهالی را با مشکلات تنفسی روبه کرده و تاحصبت از نعمت آباد می شود همه از این محله با عنوان محله کوره پز خانه یاد می کنند و مردم نیز از این نظر شکایت و اعتراض دارند و خواستار تغییر تکلیف این کوره های آجر پزی هستند.

«موسی سهرابی» دبیر شورایی این محله که از پیشکسوتان این عرصه و از ساکنان قدیمی محله است به خبرنگار «پدیده شهر» می گوید: «تعداد زیادی از کوره های آجر پزی در محله وجود دارد که تعدادی از آنها تغییر کاربری داده و مابقی بدون تعیین تکلیف رها شده است... در واقع مالکان این کوره پز خانه ها می خواهند که هر چه سریعتر شرایطشان معلوم و نفس راحتی از حل معضلات طولانی مدت این محدوده بکشند... در واقع شرایطی که برای تغییر کاربری این کوره پز خانه ها در نظر گرفته شده، به گونه ای است که آنها حاضر نیستند و رضایت ندارند که کوره ها را در اختیار شهرداری قرار دهند و از تسهیلات تشویقی در نظر گرفته شده در این زمینه ناراضی و گله مند هستند؛ ۷۰ درصد از این اراضی باید به شهرداری واگذار شود و مابقی سهم مالکان است تا شهرداری برای این محدوده سرانه مشخص کند. در حالی که مواردی که شهرداری اقدام به تغییر کاربری و ساخت و ساز کرده مثل ساخت مجتمع مسکونی «گلزار»، که ۷۵۰ واحد ساختمانی در آن احداث کرده، برای این واحدها هیچ گونه سرانه و امکاناتی در نظر نگرفته است... متأسفانه نیاز سنجی طرح تفصیلی در ارتباط با محله و این اراضی با نیازهای محله سازگار نبوده و پهنه های مشخص شده طبق شرایط محل در نظر گرفته نشده است؛ کار تن خوابها، کوره های متروک را به محلی برای زندگی، مواد کشیدن و بسیاری معضلات در اختیار خود می دانند...»



مدیر پسماند‌های پزشکی سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران: بی خطر سازی زباله‌های بیمارستانی مورد تأیید سازمان محیط زیست نیست

مدیر پسماند‌های پزشکی سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با اشاره به اینکه سازمان محیط زیست مرجع نظارت بر بی خطر سازی پسماند در بیمارستان‌هاست، گفت: بی خطر سازی زباله‌های بیمارستانی مورد تأیید محیط زیست نیست. به گزارش ایلنا، رضا شعبانی با اشاره به اینکه سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران بر اساس قانون مدیریت پسماند، وظیفه حمل، دفن و یا احداث زباله‌های بیمارستانی را بر عهده دارد، گفت: تفکیک زباله‌های بخش درمان اعم از عفونی و عادی و بی خطر سازی پسماند‌های عفونی بر عهده واحدهای درمانی است. وی در توضیح اینکه آیا زباله‌های بیمارستانی بی خطر سازی می شود یا نه، اظهار کرد: در مرجع نظارت بر این موضوع سازمان محیط زیست بوده که تا این لحظه بی خطر سازی زباله‌های بیمارستانی را مورد تأیید قرار نداده‌اند.

مدیر پسماند‌های پزشکی سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران افزود: عمده مشکل موجود در این زمینه بیست هزین است، چرا که سیستم حمل و دفن این زباله‌ها با سایر زباله‌های شهری متفاوت بوده و تعرفه آن از زباله‌های عادی بیشتر است. وی با اشاره به تعرفه‌های پسماند بیمارستانی تصریح کرد: تعرفه پسماند بیمارستان‌ها به ازای یک کیلوگرم ۴۹۹ تومان و کیلیتک‌ها و مراکز درمانی ۵۸۷ تومان بود که از هفته گذشته بر اساس ابلاغ مصوبه جدید شورای شهر تعرفه پسماند پزشکی تمام واحدهای درمانی به صورت یکپارچه به ۷۶۰ تومان افزایش یافت.



شعبانی با بیان اینکه روزانه ۸۵ تا ۹۵ تن زباله بیمارستانی در تهران تولید و جمع‌آوری می‌شود، گفت: این زباله‌ها طی فرایندی به صورت کاملاً بهداشتی در گودال‌های مخصوص دفن می‌شوند. وی با اشاره به اینکه بدنه بیمارستان‌های تهران به سازمان مدیریت پسماند از ۵۰ تا ۵۰ میلیون تومان متغیر است، خاطر نشان کرد: بدنه بیمارستان‌ها به سازمان مدیریت پسماند به بیش از ۲ میلیارد تومان می‌رسد که در برخی موارد معوقه بر داخت به سال ۹۵ بازمی‌گردد.

مدیر پسماند‌های پزشکی سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران در مورد آخرین وضعیت راه‌اندازی زباله‌سوز پسماند بیمارستانی گفت: یک شرکت تعاونی پیروز مناقصه راه‌اندازی زباله‌سوز شد که طبق تعهدات ذکر شده در اسناد مناقصه، این شرکت موظف است جمع‌آوری و امحاء زباله‌های بیمارستانی را از وضع موجود ابقاء دهد. وی افزود: در حال حاضر زباله‌های بیمارستانی در کیسه‌های مخصوص جمع‌آوری و با خودروهای فان زباله به کهریزک حمل و به صورت بهداشتی دفن می‌شوند اما بر اساس تعهدات این شرکت تعاونی زباله‌های بیمارستانی با تحویل مخازن ضد عفونی مخصوص، به صورت لیمپ از واحدهای درمانی در کاروانش شست‌وشو شده و دوباره به داخل کانتینر ۱۰ تنی مخصوص حمل و در فرایندی کاملاً مکانیزه در داخل زباله‌سوز بیمارستانی، سوزانده خواهد شد. شعبانی توضیح داد: مخازن پسماند عفونی پس از تخلیه نیز به صورت مکانیزه با مویز ضد عفونی در کاروانش شست‌وشو شده و دوباره به واحدهای بیمارستانی تحویل داده می‌شود. وی گفته‌ای طبق مفاد مناقصه، شرکت تعاونی مذکور از زمان امضای اسناد مناقصه، موظف است در ۶ ماه اول سیستم خودرویی و حمل و راراد چرخ کرده و در ۶ ماه دوم زباله‌سوز بیمارستانی را راه‌اندازی کند.

در گفتگو با رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران عنوان شد:

مه‌ار آلودگی هوا با اخذ عوارض بنزین!

رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران پیشنهاد داد که دولت با اخذ عوارض از مصرف بنزین می‌تواند در راستای کاهش آلودگی هوا گام جدی بردارد. محمد علیخانی در گفتگو با خبرنگار مه‌ار با اشاره به دو مشکل عمده تهران در بخش‌های ترافیک و آلودگی هوا اظهار داشت: بخشی از این مشکلات مربوط به تردد خودروهایی است که عامل ۷۰ درصد ترافیک و آلودگی در تهران هم به حساب می‌آید. بسته‌ای مدون از اقدامات اجرایی می‌تواند این مشکلات را حل کند.

● محدودیت‌های ترافیکی چاره ترافیک تهران نیست
وی افزود: به عنوان مثال اقداماتی از جمله زوج و فرد، طرح ترافیک و اعمال محدودیت در مواقع اضطرار آلودگی هوا هر یک به عنوان مسکنی هستند که به تنهایی نمی‌توانند مشکل ترافیک و آلودگی هوا را به شکل اساسی حل کنند. رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران با بیان اینکه باید به مشکلات تهران با دیدی کلان‌نگر سم، گفت: تهران یک کلانشهر است که مشکلات آن نیز کلان بوده و نگاه به مشکلات باید در حد ملی باشد. لذا حل مشکلات آن صرفاً از عهده نهادهای متعلقه شهرداری تهران خارج است و نمی‌توان توقع داشت که شهرداری همه این مشکلات را حل کند.



● تهران با مشکلات قدیمی اش بزگ شده است
علیخانی زیرساخت تهران را بزرگترین عامل در ناپسندانی‌هایی پایتخت عنوان کرد و گفت: زیرساخت تهران بر اساس اصول شهرسازی رشد نکرده است. تهران با همان مشکلاتی که از قدیم داشته، بزرگ شده است. علاوه بر این مشکلات دیگر کشور همچون افزایش مهاجرت نیز بر مشکلات تهران تأثیر گذاشته که اگر به آن کلان‌نگاه کنیم، می‌بینیم شهرداری به تنهایی این مشکلات را به وجود نیآورده و شهرداری نمی‌تواند همه مشکلات را بر طرف کند. وی تأکید کرد: با توجه به اینکه

پایتخت به یک مدیریت یکپارچه و هماهنگ نیاز دارد، گفت: شهرداری تهران به عنوان یک دولت محلی هنوز اختیار بسیاری از خدماتی که در شهرداری اتفاق می‌افتد را ندارد و یا نمی‌تواند دخالتی داشته باشد. در صورتی که در دنیا هر نوع خدماتی که در شهرداری ارائه می‌شود در حیطه مدیریت شهری و دولت محلی است. علیخانی با اشاره به این که تهران به درآمدهای پایدار نیاز دارد و تا بسا محدودیت‌هایی که وجود دارد نتواند مشکلات اساسی شهر را که ترافیک و آلودگی هواست برطرف کند، گفت: کاهش آلودگی هوا و حل ترافیک به پول نیاز دارد. در گذشته پول وجود داشت اما نتوانستند کاری برای این دو مشکل تهران انجام دهند. در حال حاضر هم پولی وجود ندارد که باید منابع مالی تأمین شود و این منابع مالی به درآمدهای پایدار نیاز دارد.

● روزانه ۱۵ میلیون لیتر بنزین در تهران مصرف می‌شود
وی ادامه داد: قرار نیست در تهران تراکم فروشی و هوای گرم فروشی کنیم و در مقابل بدنه‌هایی که شهر تهران دارد باید در آمد پایدار ایجاد کنیم. یکی از روش‌هایی که می‌توان با آن در آمد ایجاد کرد اخذ عوارض از بنزین است. روزانه ۱۵ میلیون لیتر بنزین در تهران مصرف می‌شود و دولت می‌تواند در صدی از فروش بنزین را به موضوع کاهش آلودگی هوا تخصیص دهد. شهرداری نیز باید این مساله را بگیرد.

هاشمی در شورای امید تهران مطرح کرد:

لزوم همکاری دولت، شهرداری و شورای شهر برای حل معضلات تهران



رئیس شورای شهر تهران بر لزوم همکاری دولت، شورای شهر و شهرداری برای حل مشکلات آلودگی هوا، ترافیک و آسیب‌های اجتماعی به عنوان ۳ معضل اصلی پایتخت تأکید کرد. به گزارش خبرنگار سیاسی ایلنا، محسن هاشمی در نشست شورای امید تهران که در محل کمیسیون تلفیق مجلس برگزار شد، گفت: آلودگی هوا، ترافیک و آسیب‌های اجتماعی را مهم‌ترین مشکلات شهر تهران است و برای اینکه موضوع درآمدهای پایدار در شهرداری را دنبال کنیم، قوانین خوبی در مجلس به تصویب رسیده اما متأسفانه هیچ‌یک در دست اجرا نشده است. وی افزود: مدیریت مصرف سوخت از جمله راهکارهای کاهش آلودگی هوای پایتخت است و موضوع مطالبات شهرداری از دولت مساله دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد و کمیته‌ای متشکل از دولت، نمایندگان عضو شورای شهر و نمایندگان مجلس تشکیل شود تا به تعهدات خود در این رابطه عمل کنیم. رئیس شورای

حجت نظری عضو شورای شهر تهران در نشست کارگروه‌های ستاد توان‌افزایی و حمایت از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد شهر تهران:

آمدهای مهم کاری را با هم انجام بدهیم

● آمدهای مهم کاری را با هم انجام بدهیم؛ کاری که فکر می‌کنیم برای مردم و شهر لازم است، به هیچ وجه کمک سرانه به آن‌جا می‌آید. ما این به آن معنا نیست که کمک نمی‌کنیم. حتماً بر اساس طرح‌ها و برنامه‌ها و پیشنهادها و کارنامه‌ای که آن‌جا داشته‌اند دارند کمک خواهیم کرد. این نظر چهار عضو دیگر شورای شهر که در ستاد توان‌افزایی سمن‌ها حضور دارند هم هست و فکر نمی‌کنیم کسی با این بحث مشکلی داشته باشد. ● کار فنی و اجرایی نگاه سیاسی نمی‌پذیرد، به ویژه در بحث کارهای مدنی. معتمد فضای جامعه مدنی نمی‌تواند که کار سیاسی بکنیم و نگاه سیاسی داشته باشیم. ● هر کس و هر سازمان مردم‌نهادی که برای شهر و منافع شهروندان اثرگذار تر و مفیدتر باشد، طبیعتاً بدون هیچ نگاه سیاسی، به آن توجه و کمک بیشتری می‌کنیم. ● اگر نسیم در این فضای کم‌تحرک باشیم کمک بزرگی می‌کند. مانگا حداکثری نمی‌کنیم که حرکت حداقلی بکنیم. سوسی می‌کنیم تا جایی که کافراً فرصت‌آجازه می‌دهد تغییر و تحول ایجاد کنیم و آن اتفاقات خوبی که افتاده حتماً دنبال می‌کنیم و دستاوردهای مثبت گذشته را نادیده نمی‌گیریم. این نگاه نه در شهودی شهر نه در ستاد توان‌افزایی سمن‌ها وجود ندارد که اقدامات خوب گذشته را نادیده بگیریم. ● سرای محلات کار کرد لازم خودشان را ندارند. سراسر در تصدی‌گری و امور غیر مرتبط و برگزاری برخی مراسم ورود می‌کنند و یکی از برنامه‌های ما این خواهد بود که فضای سراسری محلات را بیشتر در اختیار آن‌جا می‌آورد و با هم کار می‌کنند.



جایزه
در هر قرعه کشی
۵,۰۰۰,۰۰۰ ریالی

۱۲ سال
با سرمایه

در جشنواره

دوجین

تاریخ قرعه کشی: دوازدهم هر ماه

جشنواره دوجین بانک سرمایه؛ ۷۲ برنده خوش شانس در هر ماه

بانک سرمایه در نظر دارد در ماه‌های منتهی به دوازدهمین سالگرد تأسیس خود تا دی ماه سال جاری، جشنواره «دوجین» را با قرعه کشی‌ها و جوایز متعدد برگزار کند. قرعه کشی این جشنواره به صورت ماهانه بوده و از مهرماه سال جاری آغاز و تا دی ماه ادامه خواهد داشت. شایان ذکر است قرعه کشی در دوازدهم هر ماه در شش موضوع به شرح ذیل برگزار خواهد شد:

۱. تمامی هموطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه (کارت‌های هدیه صادر شده در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۲. تراکنش مشتریان بانک سرمایه در سیستم بانکداری الکترونیک این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۳. خرید و فروش سهام توسط مشتریان بانک سرمایه در شعب ارائه دهنده خدمات کارگزاری بازار سرمایه این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۴. افتتاح حساب مشتریان بانک سرمایه (در بازه زمانی دوازدهم

ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)

۵. تمامی هموطنانی که از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی ازدواج کرده‌اند (بدون محدودیت سال)

۶. تمامی هموطنانی که تاریخ تولد آنها از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی باشد (بدون محدودیت سال)

شایان ذکر است هر یک از موضوعات قرعه کشی ۱۲ برنده خواهد داشت که در هر ماه مجموعاً ۷۲ نفر، برنده خوش شانس این قرعه کشی خواهند بود. گفتنی است به هر یک از برندگان قرعه کشی یک قطعه کارت هدیه ۵ میلیون ریالی اهدا خواهد شد. لازم به ذکر است هموطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه برای شرکت در قرعه کشی می‌بایست در صفحه مربوطه در وبسایت این بانک نسبت به ثبت مشخصات خود (نام، نام خانوادگی، نام استان، نام شهر، شماره ملی و شماره موبایل) اقدام نمایند و در صورت برنده شدن در قرعه کشی، برای دریافت جایزه خود به همراه اصل کارت هدیه برنده شده به شعبه مربوطه مراجعه نمایند. همچنین هموطنان علاقه‌مند به شرکت در بندهای ۵ و ۶ قرعه کشی



دارندگان کارت‌های هدیه

خرید و فروش سهام در شعب
ارائه دهنده خدمات کارگزاری

تراکنش در بانکداری الکترونیک

افتتاح حساب

ازدواج تولد

کسب اطلاعات بیشتر

sarmayebank @sarmayebank

www.sbank.ir ۴۳۷۳

شهر بانک

نوآوری در خدمت

Shahr-bank.ir

سامانه نظارت و ارتباطات مردمی ۰۲۱-۸۶۵۵



پشت فرداها شهر است

شهرنت # خدمات بانکی # ۲۴ ساعته # شهر هوشمند

با پیشخوان های شهرنت به فردای بانکداری قدم بگذارید